

بحث در حاضرشدن در ساحتی است که انسان از این امور دنیایی مستغنی و بی‌نیاز می‌شود

شماره پرسش: ۲۴۱۵۸

تاریخ ارسال پرسش: ۱۳۹۸/۳/۱ ۰۰:۵۱:۱۸

متن پرسش

سلام خدمت استاد گرامی: ضمن آرزوی قبولی طاعات استاد در آموزه های دینی خود داریم که بنده خدا بهتر است به خواست خدا راضی باشد و بداند که تلاش کردن و انجام وظیفه حتما منجر به نتیجه دلخواه او نمی شود و شاید صلاح پروردگار چیز دیگری باشد. این درست اما مسئله ای که برای خود بنده ایجاد شده این است که خب به هر حال ما به عنوان یک انسان در این دنیا تمایلات و خواسته هایی داریم و احساسمان نسبت به بعضی امور خوب است و به بعضی امور خیر. گاهی خواسته ای داریم و مایلیم به آن برسیم و بنا به دلایلی نمی شود و گاهی چندین مورد به همین منوال می گذرد و خواسته های ما به ظاهر باب میلمان نیست و این باعث می شود یک انسان معمولی مثل من به لحاظ خلق و خو افت کند، نشاطش کم شود و در کل حالش خوب نباشد. استاد واقعا عمل کردن به این جمله که خدایا راضیم به رضای تو سخته. حال سوال من این است چطور می شود بین خواسته های خود و رضایت الهی جمع کرد؟ روانپزشکان می گویند حذف احساسات منجر به افسردگی و اضطراب می شود. که تا حدی درست است همه که نمی توانند مثل امام خمینی باشند و با وجود مرگ فرزند در کلاس درس حاضر شوند که حقیقتا خیلی در عجبم از شخصیت امام. امیدوارم منظورم را رسانده باشم. التماس دعا

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: به این فکر کنید که بحث در حذف احساسات نیست، بحث در حاضرشدن در ساحتی است که انسان از این امور دنیایی مستغنی و بی‌نیاز می‌شود و به چیزهای بالاتری فکر می‌کند. اصلاً از کجا که خداوند این نوع تمایلات ما را جواب نمی‌دهند تا ما سرگرم این امور نشویم و از ساحت بالاتری محروم گردیم؟ موفق باشید